

نویسنده: کرامت موللی  
دوشنبه 14 تیر 1389 ساعت: 17:47  
نظر دوستان را به دو مقاله جدیدی (قیاس بنفس و متدولژی) از امین مروتی در  
بخش «مقالات شما جلب میکنم»

نویسنده: تقویان  
یکشنبه 20 تیر 1389 ساعت: 17:18  
سلام استاد  
آیا گذاشتن برابر "نفس" برای "psychique" می تواند درست باشد. با توجه به  
این که نفس در دیسکورس ما به معنای جوهر مجرد باقی(ابن سینا) است. لطفا  
در این خصوص مرا راهنمایی کنید.  
با تشکر

نویسنده: تقویان  
دوشنبه 21 تیر 1389 ساعت: 16:24  
با عرض پوزش از اشتباه در املاي واژه "psychique"

نویسنده: کرامت موللی  
سه شنبه 22 تیر 1389 ساعت: 23:42  
aghayé Taghavian aziz  
dar halé hazer mosaferat hastam bé mahz baz gasht bé shoma  
pasokh khaham dad  
ba ehteram

نویسنده: تقویان  
سه شنبه 5 مرداد 1389 ساعت: 17:22  
درود بر استاد عزیز و دوستان گرامی  
[وب سایت](#)

نویسنده: سهند  
پنجشنبه 21 مرداد 1389 ساعت: 16:5  
با عرض سلام خدمت استاد و همه دوستان: چندی است که این اطاق گفتگو  
ساکت مانده است که باعث تآثر است. من در سایت بی.بی.سی فارسی به نوشته

ای در رابطه با قرآن بر خوردم که هر چه فکر کردم پاسخ قانع کننده ای برایش پیدا نکردم. با اینکه میدانم که باید صحت داشته باشد. من آن بخشی که باعث سرگنجی بنده شده است را کپی کرده و ادرس نوشته را درج می کنم که از دوستان و استاد خواهشمندم که اگر فرصتی داشته باشند این موضوع را توضیح دهند. قبلا از صرف وقت تان سپاسگزارم.  
"متن مقدس و پیکر انسانی"

اسلام از آغاز هرگونه ترسیم پیکر انسانی را منع می کرد. این موضوع موجب رشد و شکوفایی هنر خطاطی شد.

ثریا سید یکی از معدود زنانی است که در اروپا به صورت تمام وقت مشغول به خطاطی متون اسلامی است. با وجود آن که نگارش لغات مقدس رابطه بسیار نزدیکی با ایمان اسلامی دارد، او می گوید کار هنری اش را فارغ از حد و مرز و به شدت جهانی می داند.

او در حالی که چگونه نوشتن "بسم الله الرحمن الرحيم" را به من نشان می داد، از موضوع حیرت انگیزی پرده برداشت. او گفت: "وقتی که خطاطی یاد می گیری و در مورد چگونگی تعریف حروف و نسبت ها در نوشتارهای قدیمی مطالعه می کنی، متوجه می شوی که آنها از آناتومی بدن انسان برای ترسیم حروف استفاده می کنند. بنابراین برای اینکه شما بتوانید حروف و روش نگارش آنها را درک کنید باید پیکر انسان را درک کنید."

[http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/08/100809\\_quran.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/08/100809_quran.shtml)

نویسنده: نیروانا

جمعه 22 مرداد 1389 ساعت: 4:59

دوستان گرامی:

استاد فریدون جنیدی یکشنبه ها ساعت 21:30 میهمان رادیو فرهنگ می باشند.

این برنامه گوش نواز پاسخ به دشمنان استاد فردوسی و مخالفان فارسی سره است.

با سپاس.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 26 مرداد 1389 ساعت: 18:53

نظر دوستان را به چهار مقاله جدید (متدلژی علوم، حقیقت ریاضیات، جوهر انگاری و قوه انگاری و بالاخره دانش و ارزش) از آقای مروتی در بخش «مقالات شما» جلب میکنم.

نویسنده: علیجانی

چهارشنبه 7 اردیبهشت 1390 ساعت: 21:24

با سلام خدمت استاد محترم: دانشجوی روانشناسی هستم. مقطع ارشد... در مورد فاننزی نجات (گفته فروید)) در حد امکان توضیح دهید. متشکرم

نویسنده: کرامت موللی

دوشنبه 12 اردیبهشت 1390 ساعت: 13:58

آقای علیخانی عزیز

منظور شما از فاننسم نجات چیست و آن را در چه متنی یافته اید؟ بااحترام

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 14 اردیبهشت 1390 ساعت: 23:0

نظر دوستان را به مقاله جدیدی از آقای مروتی تحت عنوان «نام مادر» در قسمت «مقالات شما» جلب میکنم.

نویسنده: علاقه مند

پنجشنبه 5 خرداد 1390 ساعت: 16:40

با سلام خدمت استادگرامی:

beta-phi function در روانکاوی چه مفهومی دارد؟ آیا با مفهوم Alpha Function که Wilfred Bion از آن مراد می کند قرابتی دارد؟  
با تشکر

نویسنده: حجت

شنبه 21 خرداد 1390 ساعت: 5:25

با سلام به دکتر موللی عزیز

آیا ادعای روانکاوی مبنی بر اینکه جزو علوم دقیقه است بدین معنا هم هست که مثلاً هر فردی می تواند با دقت در احوالات خود به همان نتایجی برسد که لکان رسیده یعنی به حقیقت سه بعد خیالی رمز و اشارت و واقع پی ببرد؟

با تشکر  
[وب سایت](#)

نویسنده: کرامت موللی

دوشنبه 23 خرداد 1390 ساعت: 14:37

آقای حجت عزیز

بله تمام انسانها دارای ساحات سگانه هستند. عموم و شمول این امر و کشف آن روانکاوی را در زمره علوم دقیقه بدان معنا که در مورد فیزیک و شیمی و غیره اطلاق میشود قرار نمیدهد. روانکاوی گاه الگوهای این علوم را بکار میگیرد و گاه هم آنها را بشدت تحت پرسش و تردید قرار میدهد. بااحترام

[وب سایت](#)

نویسنده: ح

چهارشنبه 25 خرداد 1390 ساعت: 11:59

دکتر موللی عزیز

اینکه روانکاو کلام خود را چیزی جز کلام عشق نمی داند برایم بسیار سؤال برانگیز است. من عاشق شدم ولی طرف مقابل مرا نپذیرفت. تمام کتابهای شما را که حداقل در ایران چاپ شده بانضمام کلی از کتابهای فروید را خوانده ام اما هیچ نوشته ای باعث تسکینم نشد. اگر بحساب پیروی از آرزومندی ام هم باشد آن خانم بیشتر از هرکس دیگری با رویاهایم جور در می آید رویاهایی که برخلاف دیدگاه لکان برای او ساحتی ابدی در نظر می گیرد. بسیار مستاصلم و در این زمینه تمام راهها را برویم بسته می بینم اگر یکبار به دنیا می آیم و به آن چیزی که می خواهیم نرسیم چه چیز دیگر در این زندگی با ارزش عشق برابری می کند؟  
آشفته گویی ام را ببخشید

نویسنده: معنوی پور

چهارشنبه 15 تیر 1390 ساعت: 22:0

سلام دکتر موللی عزیز

امروز سایت شما را دیدم و بسیار احساس خوبی دارم که می توانم با شما

علاوه بر کتاب های ارزشمندتان ارتباط داشته باشم. من در ایران مشغول یادگیری و یاددهی روانکاوی به سبک دوانلو هستم و این کار را با تمام دشواری هایش با علاقه ادامه می دهم مایه خرسندی من است که نظر شما را بدانم و چنانچه توصیه ای داشته باشید به گوش جان بشنوم. ارادتمند معنوی پور

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 15 تیر 1390 ساعت: 22:3

آقای معنوی پور

ممکن است درباره سبک مذکور توضیح دهید. بااحترام

نویسنده: شایان

شنبه 25 تیر 1390 ساعت: 4:28

درود!

من شایان یاورزاده ام. کتاب میانی روانکاوی شما مبنای اندیشه های روانکاوی من است.

اصلا از وجود چنین سایتی خیر نداشتم. چقدر از شما سوال دارم. چقدر از شما راهنمایی میخوام.

من به کمک دوستانم که از وضعیت روانکاوی در دانشگاه ها ناراضی بودیم انجمنی را در حال پایه گذاری هستیم با هدف سرزنده کردن روانکاوی میتونید توی وبلاگم مراحل تشکیل انجمن را ببینید ، به زودی سایت انجمن راهندازی میشه.

دیروز با استادم یه قسمت از میانی روانکاوی درباره غریزگی را میخوندیم ،

استادم صد بار توضیح داد من آخر نفهمیدم!

ای کاش ایران بودید چقدر دانشگاه ها به وجودتون نیاز دارند.

من در این راه ثابت قدم خواهم بود.

سپاس فراوان شایان یاورزاده

[وب سایت](#)

نویسنده: حامد صوفی

چهارشنبه 5 مرداد 1390 ساعت: 15:27

با درود دگر باره بر دکتر موللی گرامی،

نقدی بر نوشتار شما پیرامون هرج و مرج در زبان فارسی تنظیم کرده ام که به ایمیل تان با آدرس [ravankavi@msn.com](mailto:ravankavi@msn.com) ارسال داشته ام .

بی صبرانه در انتظار پاسخ شما خواهم ماند .

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 12 مرداد 1390 ساعت: 19:33

آقای صوفی عزیز

نقد شما را بر مقاله هرچ و مرج... با علاقه مطالعه کردم. اساس ایرادات شما بر این است که زبان فارسی و عربی واجد ساختمان های متفاوتی هستند. این نظر از دو جهت صائب نیست یکی اینکه تفاوت نحو و صرف دو زبان هیچگاه مانعی در راه تبادل و محادثه میان آنها نشده است چراکه در این صورت بیم آن خواهد رفت که به دفاع از نوعی نژادپرستی «زبانی» پردازیم. دوم آنکه تفاوتی را که شما میان فارسی و عربی قائل هستید بعینه میان زبان آلمانی و انگلیسی از یکطرف و زبان لاتین بطور اخص و زبانهای لاتینی بطور اعم نیز میباید. اگر استدلال شما صحیح بود زبانهای مثل آلمانی و انگلیسی که به خانواده زبان های ژرمنیک تعلق دارند نمیتوانستند اینهمه تحت تأثیر زبان لاتین واقع شوند. اگر بخواهیم کلمات لاتین را از زبان انگلیسی حذف کنیم نتیجه این خواهد شد که دیگر هیچ انگلیسی زبانی قادر نخواهد بود که به این زبان سخن گوید.

چه بخواهیم و چه نخواهیم این امری بدیهی است که منشأ فارسی سره را میبایستی در آنچه نازی های آلمانی میخواستند در مورد آلمانی «سره» انجام دهند یافت. کسروی و بسیاری از روشنفکران ما بنحوی ناآگاه (و شاید هم گاه بطور آگاهانه) از همین نوع افکار فاشیستی الهام گرفته اند. مسأله دیگر اینکه ایرانی غالباً اسلام ستیزی را با عرب ستیزی خلط و اشتباه میکند. ولی مسأله اساسی در وجهه نظر این حقیر در تفاوت با اصحاب فارسی سره این است که بنظر من اگر ملتی بر آن شود که با اخذ تصمیمات مجدانه در زبان خود تغییراتی اساسی ایجاد کند کاری جز به بیراهه رفتن نخواهد کرد چراکه زبان ایجاب میکند که ما تابع آن باشیم و نه برعکس. همین برعکس است که من خودشیفتگی و نارساییسم میخوانم.

زبان حکم ضمیر ناآگاه را دارد و تسلط فرعونى ما را نمیپذیرد. اینچنین تسلطی است که به بیگانگی ما از خود و ذات خویش می انجامد. خشونت نسبت به زبان تیشه زدن بر ریشه خود ماست. ولی شاید این حرکتی تاریخی برای ما ایرانیان باشد که تیشه به ریشه خود زده دچار از خودبیگانگی چندان عظیمی شویم که به ویرانی زبان و فرهنگمان بیانجامد. اینست نیت ناآگاه طرفداران

فارسی سره که بطور عجیبی برخلاف آنچه میگویند عمل میکنند. میبینید که ما به چه آگاهی تاریخی و خیمی احتیاج داریم. بااحترام

نویسنده: حامد صوفی

پنجشنبه 13 مرداد 1390 ساعت: 11:4

با درود دگر باره و سپاس بیکران از پاسخ ارجمند تان؛ سخن از قیاس میان زبان هائی از قبیل فرانسوی، آلمانی و انگلیسی (که هر سه در دل یک خانواده زبانی آن هم از یک شاخه هستند : هند و اروپائی => لاتین) با قیاس میان دو زبان عربی (متعلق به خانواده سامی) و فارسی (متعلق به خانواده هند و اروپائی) که از بسیاری جهات تفاوت های بنیادین دارند، قیاس دقیقی از منظر زبانشناسی نبوده نتایج فرخنده ای را نیز در پی نخواهد داشت .

اینکه به عنوان مثال کشور های مستعمره ای از قبیل هندوستان و پاکستان قدیم به راحتی با زبان انگلیسی بریتانیائی کنار آمدند در قیاس با اینکه ایرانیان در طول صده ها، مقاومت های زبانی فراوانی را در برابر رسوخ زبان عربی از خود نشان می دادند؛ مؤید همین بحث می باشد . در این راستا می توان از نفوذ بی بدیل زبان فرانسوی در طول کمتر از دو صده روابط برون مرزی با فرانسویان در میان ایرانیان اشاره داشت؛ همه این ها در جهت تائید این نظر بر می آیند که هر چه دو زبان از خانواده زبانی نزدیک تری باشند، تنش های زبانی کمتری را به وجود آورده تعامل و درونی شدن بهتری را پدید می آورند (البته تا جائی که کار به بر انگیزتن نارساییسم تفاوت های ناچیز نکشد) . اگر چه نمی توان از تاثیر اقدام نازی ها در دخل و تصرف در زبان شان بر روی سایر دول و ملل چشم پوشید، باری همه نیک می دانیم که جنبش فارسی سره در ایران سابقه ای دیرینه داشته می توان نقطه اوج درخشش آن را در شاهنامه فردوسی سراغ گرفت .

ناگفته نماند این گفته ها به معنی مهر تائیدی بر اقدامات فرعونانه بر زبان یک ملت نمی باشد؛ ما به هیچ وجه در پی تخریب دستاورد های زبانی خود نبوده بل آنها را پاس نیز می داریم . باری از آنچه زبان مان را به تنگنا بکشاند و ما را در راه رسیدن به دستاورد های مدرنیسم به دور بکشاند پر هیز می داریم . شما در مقاله تان به نکوشش ترجمه های نا مناسب و تحت اللفظی از زبان های فرنگی پرداختید؛ باری مگر غالب آنچه در نوشتار اکثر مؤلفین ایرانی می بینیم، خود نتیجه رسوخ زبان عربی در پی روابط دیپلماتیک با حکومت های عرب در طول چند صده اخیر نمی باشد؟ که اگر نکوشی هم هست باید جانب هر دو رویه موجود را بگیرد نه اینکه نوک پیکان صرفاً متوجه تاثیر از زبان

های فرنگی شود .  
ادامه در کامنت پسین <=

نویسنده: حامد صوفی

پنجشنبه 13 مرداد 1390 ساعت: 11:6

در این راستا پرسش بنیادینی نیز دارم؛ آیا شما برای ساحت زبانی ضمیر ناخودآگاه، ماهیتی سیال و دینامیک قائل هستید یا نه آن را تنها نتیجه چند سال اول زندگی آدمی دانسته تنها دوران کودکی را زمان کلیدی برای سرشتیده شدن ضمیر ناخودآگاه می دانید؟

چرا که آنچه خود به شخصه در نتیجه تدقیق در احوالات خویش یافته ام، این بوده است که ضمیر ناخودآگاه ام پیوسته در حال تغییر و به روز شدن می باشد . به خصوص که اکنون که در دهه سوم زندگی خویش در طی یادگیری زبان های غیر بومی ام نیز هستم، بعضاً از تظاهرات ابتدائی زبان های مزبور در ضمیر ناخودآگاه ام آگاه می شوم .

حال سخن این است که اگر ساحت زبانی ضمیر ناخودآگاه، ماهیتی پویا دارد؛ پس چرا پالایش و ویرایش زبان یک ملت را به خود ندهیم؟  
پاسخ از شما .

نویسنده: نیروانا

پنجشنبه 13 مرداد 1390 ساعت: 14:19

استاد گرامی:

شما در "مقاله هرج و مرج... "با تکرار آرای پیشین خود و با سیاه نمایی بیشتر همانند پیش گوین سرانجام شومی را برای زبان فارسی یافته اید. من سخن بسیاری

پیرامون مقاله شما داشتم ولی از انجاکه "مرسخن را مشتری جز گوش نیست" و گوش شنوای نبود سکوت کردم.  
و اما بعد.

فرموده اید "چه بخواهیم و چه نخواهیم این امری بدیهی است که منشأ فارسی سره را میبایستی در آنچه نازی های آلمانی میخواستند در مورد آلمانی «سره» انجام دهند یافت"

آیا استاد فردوسی که منشأ فارسی سره است پس از نازی ها است؟

همچنین فرموده اید " زبان ایجاب میکند که ما تابع آن باشیم و نه برعکس " این سخن از ایمان بر خاسته است نه راستی. آیا ما می بایست هر بلایی حاکمان سر زبان آوردند بقول شما تابع باشیم. زبان فارسی نه تنها تابع حاکمان جلاد مسلمان نیست بلکه همواره با آنها در چالش است. با سپاس.

نویسنده: سعید

یکشنبه 16 مرداد 1390 ساعت: 14:37

با سلام

مدتی بود که قصد داشتم چند کلمه ای در مورد نزاع میان طرفداران فارسی سره و فارسی آمیخته نظری درج کنم اما فرصت مناسبی پیش نمی آمد تا الان که چنین بحثی کمابیش مطرح شده است. به نظر من این نزاع دست کم تا آنجا که ماهیت آن در همین بحث های جاری در این سایت برای من آشکار شده است\_ حول سوتفاهمی پیش پا افتاده یعنی عدم تعیین قلمرو فارسی سره یا ناسره در حوزه های دانش فرهنگی شکل گرفته است. بدین معنی که طرفداران هر دو اسلوب طرز نگاه خود را یا به کل حوزه های دانش گسترش می دهند یا اینکه محدوده مورد نظر خود را روشن نمی سازند، و این همان مسئله ای است که این همه سوتفاهم ایجاد کرده است. دانش فرهنگی جوامع مدرن مانند گذشته تنها محدود به یکی دو حوزه نیست که بتوان به این سادگی در مورد جملگی آنها قضاوت کرد و شیوه هایی را در مورد تمامی آنها تعمیم بخشید. به نظر من تمامی حرف های دکتر موللی چنانچه تنها علوم انسانی را مدنظر داشته باشند به استثنای یکی دو مورد جملگی کاملاً صحیح هستند. اما چنانچه ایشان نظر خود را در مورد سایر علوم به ویژه علوم تجربی و تمامی رشته های مربوط بدان نیز صادق بخواهند بنا به دلایلی علمی و فنی مرتکب اشتباه شده اند. چه در حوزه علوم انسانی متفکران گذشته این سرزمین میراث ارزشمندی را از خود به جا گذاشته اند و کمابیش در مورد مسائلی به تفکر پرداخته آثاری به رشته تحریر درآورده اند که امروز نیز از برخی دیدگاه ها جذاب و ارزشمند هستند. به طور خلاصه می توان گفت تمامی روح فرهنگی ایران باستان در فرهنگ ایران پس از اسلام نیز حی و حاضر است و این مطلب را می توان از راه مطالعه ای تطبیقی میان عناصر فرهنگ زرتشتی با عناصر به کاررفته در آثار مثلاً عرفای ذوقی این سرزمین فهمید. به عبارتی دیگر روح آن فرهنگ

باستانی در قالب زبان تازه ای که همان فارسی دری باشد همچنان در میان ایرانیان امروز به حیات خود ادامه می دهد و لو آن که ابزار انتقال و به عبارتی حامل آن با زبان هایی چند آمیختگی پیدا کرده باشد. لذا در این مورد به نظر من نیز به قول استاد غفلت از فرهنگ ایران پس از اسلام جز نشانه عیانی از باخودبیگانگی عده ای خودشیفته نمی باشد.

نویسنده: سعید

یکشنبه 16 مرداد 1390 ساعت: 14:38

حساب فارسی سره زمانیکه در حوزه ادبیات به کار می رود از حساب آن وقتی که بخواد در مورد موضوعاتی که تفکر جدی می طلبند به کار رود جداست. به طور قطع هیچ صاحب نظری با استفاده از فارسی سره در متون ادبی مخالفت نخواهد کرد بلکه آن را مایه زیبایی هرچه بیشتر نیز خواهد دانست. پس فارسی سره در حوزه ادبیات و چنانکه بالاتر هم اشاره کردم در قلمرو علوم تجربی و همچنین امور مربوط به حوزه دانش عمومی نمی تواند مانعی داشته باشد بلکه بنا به دلایلی که به ساختمان صرفی زبان فارسی برمیگردد مرجح نیز هست. اما کارگیری فارسی سره در مورد موضوعات مربوط به تفکر جدی خطای بزرگی خواهد بود. این امر باعث می شود تاکید به جای مغز بر روی پوست گذاشته شود چه زیبایی ظاهری مانعی خواهد بود برای معنی باطنی. در غیر این صورت تلاش برای زنده کردن زبانی مرده راه به جایی نخواهد برد. منظورم از زبان مرده زبان پهلوی است که نتیجه منطقی جدال سره گرایان از نظر من معنایی جز این نخواهد داشت...

نویسنده: سهند

پنجشنبه 20 مرداد 1390 ساعت: 12:30

استاد عزیز: انگار که دوستان در دو بخش این سایت به تبادل نظر می پردازند. یکی در بخش "بحث و گفتگو" و دیگری در قسمت "تبادل نظر" که به عقیده من باعث سردرگمی و اتلاف وقت دوستان می شود. لطف کرده و یکی را غیر اکتیو بکنید که بحث ها پراکنده نشوند. من امروز به بخش "بحث و گفتگو" سر زدم که متوجه شدم دوستان بخشی از بحث ها را آنجا و بخش دیگر را در اینجا ادامه می دهند. من بحث را در بخش "تبادل نظر" ادامه می دهم. اگر اشتباه نکنم انگار که درج پیام ها در آن یکی یعنی بخش "تبادل نظر" راحتتر است.

نویسنده: کرامت موللی

یکشنبه 23 مرداد 1390 ساعت: 23:58

نظر دوستانی راکه دارای مقالاتی در قسمت «مقالات شما» هستند به این نکته جلب میکنم که بعلت اشتباهاتی که در بروز کردن سایت رخ داد تعدادی از مقالاتشان مفقود شده است. لطفا اگر برایشان مقدور است آنها را مجدداً برایم بفرستند تا دوباره در سایت بگذارم.

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 2 شهریور 1390 ساعت: 15:25

نظر دوستانی راکه دارای مقالاتی در قسمت «مقالات شما» هستند به این نکته جلب میکنم که بعلت اشتباهاتی که در بروز کردن سایت رخ داد تعدادی از مقالاتشان مفقود شده است. لطفا اگر برایشان مقدور است آنها را مجدداً برایم بفرستند تا دوباره در سایت بگذارم.

نویسنده: دانا

پنجشنبه 10 شهریور 1390 ساعت: 9:43

سلام خدمت جناب موللی و تبریک عید

من تازه مطالعه روانکاوی را شروع کرده ام لطفا در صورت امکان مرا راهنمایی فرمایید

حال حاضر کتاب مبانی روانکاوی فروید-لکان حضرت عالی را می خوانم ولی مفاهیمی همچون ذکر- غیر-فاعل خط خورده -نفس خط خورده-متافور پدری- برام قابل فهم نیست آگه توضیحاتی رو برام بنویسید لطف بزرگی در حقم کرده اید

نویسنده: کرامت موللی

پنجشنبه 10 شهریور 1390 ساعت: 23:13

آقای دانا

برای درک بیشتر مفاهیم روانکاوی میتوانید به اصطلاحات روانکاوی در همین سایت رجوع کنید و همچنین دیگر کتابهایی را که منتشر کرده ام مورد نظر داشته باشید. بعلاو به بایگانی تبادل نظر های این سایت نیز میتوانید بروید که طی آنها بکرات سؤالاتی را که مطرح میکنید مورد پاسخ قرار گرفته اند.  
بالاحترام

نویسنده: ح. ص

شنبه 12 شهریور 1390 ساعت: 9:49

صفحه شما در فیس بوک :

<https://www.facebook.com/pages/K%C3%A9ramat-Movallali/209716752420898#!/pages/K%C3%A9ramat-Movallali/209716752420898?sk=wall>

در صورت توافق لطفا مراتب تأیید خود را در همین بخش اعلام نمایید .

نویسنده: کرامت موللی

شنبه 12 شهریور 1390 ساعت: 13:31

آقای صوفی عزیز

از برپا کردن صفحه فیس بوک بینهایت متشکرم. شاید از این طریق مشکل فیلترها برطرف شود. لطفا نام کاربرد و کلمه رمز را برایم بفرستید. بااحترام

نویسنده: کرامت موللی

پنجشنبه 31 شهریور 1390 ساعت: 15:36

نظر دوستان را به مقاله جدیدی از مصطفی تقویان در باب فیلم هامون دربخش «نقد فیلم و کتاب» جلب میکنم.

نویسنده: ح. ص

شنبه 2 مهر 1390 ساعت: 2:46

دکتر موللی گرامی؛

در خصوص فرزندانانی که تحت سرپرستی خانواده های هم جنس باز قرار دارند (که در بسیاری از کشور ها قانونی شده است) روانکاوای چه حرفی برای گفتن دارد و اینکه آیا اصول ویژه آن از قبیل نام پدر مورد چالش قرار نمی گیرد؟ در صورت امکان در این زمینه منابعی را برایم معرفی کنید . سپاس

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 6 مهر 1390 ساعت: 18:41

آقای ح ص عزیز

درمورد پرسش شما باید گفت که نام پدر ساحتی است که مادر در باطن خود واجد آنست و لذا مربوط به ساحت رمز و اشارت میگردد. حال آنکه پدر واقعی یعنی مردی که چنین عنوانی را گرفته کاری جز احراز منزلت رمزی و

اشاری نام پدر نمیکند و حتی گاه میبینیم که بدرستی قادر به احراز این مقام نیست. لذا نام پدر جدا از وجود خارجی او در عالم خارج است. مثلاً در پسیکوز این پدر واقعی وجود دارد حال آنکه فاجعه فرد پسیکوتیک اینستکه مادرش عمیقاً بر منزلت رمزی و اشاری یعنی نام پدر خدشه وارد کرده و یا او را بکلی از حوزه باطنی کودک حذف کرده است (البته بطور ناآگاه). میبینید که مسأله پیچیده تر از آنستکه در وهله اول بنظر می آید. بالاحترام

نویسنده: حامد صوفی

دوشنبه 25 مهر 1390 ساعت: 10:55

با درود دگر باره؛

پیرامون حضور بن مایه های اروتیسم در معماری سنتی و مدرن؛ و تدقیق در آنها از منظر روانکاوی چه منابع مطالعاتی را معرفی می کنید؟

نویسنده: کرامت موللی

دوشنبه 25 مهر 1390 ساعت: 21:47

خدمت آقای صوفی

شاید کتاب زیر بتواند برایتان مفید باشد:

Against architecture: the writings of Georges Bataille  
by Denis Hollier

نویسنده: علاقه مند

پنجشنبه 28 مهر 1390 ساعت: 17:48

با سلام خدمت استاد ارجمند:

لطفاً این عبارت لکان را کمی توضیح بدهید:

enclose the Freudian interrogation within the field of To  
lead it to what I call a psychogenetic psychology is to  
always be seen in its delirium. This psychogenesis can  
psychoanalysts development each day, in the way such  
with envisage the facts and objects that they have an affair  
با تشکر.

نویسنده: کرامت موللی

پنجشنبه 28 مهر 1390 ساعت: 23:25

آقای علاقه مند عزیز

در این چند جمله لکان روانکاوان آمریکائی و بخصوص اصحاب روانشناسی من نفسانی را بباد انتقاد میگیرد چراکه بنظر او بیرون آوردن نوعی روانشناسی تکوینی از روانکاوی برای ایجاد مراحل رشد کودک و تقسیم آن به بخشهای کاملاً متمایز اشتباهی محض است. چراکه یکی از کشفیات اساسی فروید اینست که نفس آدمی واجد حیث زمانی خاصی است که بهیچوجه آنرا نمیتوان به تسلسل مستقیم و باصطلاح خطی تقلیل داد. زمان برای روانکاو خط مستقیمی نیست که از یک نقطه معین (گذشته) شروع شود و به نقطه دیگری (زمان حال) برسد و سپس به آینده توجه داشته باشد. نفس آدمی دارای حیث زمانی پیچیده ایست که مثلاً میتواند آینده را بر حال و گذشته تقدم بخشد و ار آنجا به گذشته رفته و بحال برسد. روانشناسی تکوینی (پیاژه و غیره) غفلت از این امر اساسی است که زمان نفسانی مانند زمان فیزیکی نیست و نمیتواند بصورت امری غیر دیالکتیکی عمل کند. بااحترام

نویسنده: علی نوروزی

دوشنبه 2 آبان 1390 ساعت: 17:55

با عرض سلام خدمت استاد ارجمند:

بنده دوست داشتم بدانم که آیا شما می توانید زمانی را برای سفر به شهر شیراز برای ارائه سخنرانی از طرف گروه پژوهشی راهبر اختصاص دهید. واقعا دوست داریم که از محضر شما بهره مند شویم. با تشکر

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 3 آبان 1390 ساعت: 12:33

آقای علی نوروزی

از لطف و دعوت شما بسیار سپاسگذارم. متأسفانه در حال حاضر تا حدود اواسط سال مسیحی 2013 برنامه هایم از قبل مشخص شده فرصت آمدن به شیراز برایم مهیا نیست. در اولین فرصت شما را از آمادگی خود باخبر خواهم کرد. بااحترام

نویسنده: علاقه مند

سه شنبه 3 آبان 1390 ساعت: 21:59

باسلام و با تشکر از اختصاص وقت شخصیتان در پاسخگویی  
استاد محترم:

با مثالی که فروید در نمونه بالینی گرگ-مرد از بلیط قطار بدست می دهد آیا او  
در پی ایجاد نسبی خاصی ما بین من نفسانی و رانش می باشد؟  
ایا تمتع موجود در رانش و عارضه نفسانی می تواند حاکی از ماهیت یکسان  
هسته ی مرکزی و سمج عارضه با رانش باشد؟  
ایا ماهیت التقاطی رانش در تشکل نفسانی به دلیل تعلق ان به امر واقع است؟  
ایا انطباق هویت فرد تحت روانکاوی با هسته ی رانشی عارضه اش صورت  
می گیرد یا با ارزومندیش؟  
با تشکر

نویسنده: حجت خوشه چین بهار

سه شنبه 10 آبان 1390 ساعت: 7:6

با سلام به دکتر موللی گرامی

آیا بعد از کتاب منطق و توپولوژی کتاب دیگری (ترجمه یا به نویسندگی  
خودتان) را برای چاپ در ایران در دست تهیه دارید؟  
موضوع دوم اینکه موسسه ای در تهران بنام انستیتو روانکاوی تهران در  
حالت فعالیت است که از طریق اینترنت از وجودشان مطلع شدم اما پس از  
تماس اولیه متوجه شدم که متخصصانشان دارندگان مدرک فوق لیسانس  
روانشناسی اند که بالطبع سنخیتی با روانکاوی ندارند. و حوزه عملکردشان در  
زمینه روانکاوی عموماً نقد فیلم یا مشاوره برای زوجهاست که با روانکاوی  
فردی مغایر است. آیا بدین ترتیب این سو استفاده از نام روانکاوی نیست؟  
[وب سایت](#)

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 10 آبان 1390 ساعت: 15:44

آقای علاقه مند عزیز

1. درمورد نمونه بالینی مرد گرگ آذین احتمالاً حق باشماست. فروید پیوسته  
در پی ایجاد چنین رابطه ای بوده است و این خود گواهی است علیه اصحاب  
روانشناسی من نفسان که به استقلال من نفسانی معتقدند.  
2- بله لکان میگفت که تنها چیزی که شخص با آسانی مایل به از دست دادن آن  
نیست همان عارضه نورو تیک اوست. و البته همین را هم درمورد تمتع یا

ژوئیسانس نیز گفته است. چالش او نیز در این بود که روانکاوان را قادر سازد تا بتوانند «غایت» درمان را در از کف دادن تمتع فرد مورد روانکاوی قرار دهند. و هم ازینروست که از دسترسی به «عدم وجود» در «پایان» روانکاوی صحبت میکرد. دنباله در کامنت بعدی.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 10 آبان 1390 ساعت: 15:56

در مورد رابطه رانش با امر واقع میبایستی البته به مفهوم اساسی و بدیع آن نزد فروید برگشت. از آنجا که لیبیدو یا اساساً انرژی حیاتی امری است واقع که در بدن و کالبد ما بمعنای فیزیولوژیک آن عمل میکند لذا برای اینکه به نفسانیات بپیوندد چاره ای جز این ندارد که بنحوی تحول پیدا کند که برای نفس قابل دسترسی باشد. لذا لیبیدو بواسطه تصورات و تخیلات نفسانی نماینده ای برای خود برمیگزیند که همان رانش باشد. بعبارتی دیگر رانش نمایندگی انرژی حیاتی (امر واقع) را در نفس آدمی بعهده میگیرد. و چون نفس محل اصلی تصورات آدمی است لذا لیبیدو نیز به این تصورات «می پیوندد» و نماینده جسم در روان میگردد. اینست معنی واقعی التقاطی که شما در باره آن صحبت میکنید. لذا کاملاً حق باشماست. دنباله در کامنت بعدی

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 10 آبان 1390 ساعت: 16:21

بنظر من درست است که بگوئیم که روانکاوی تعاطی واقعی آرزومندی فرد است و نمیبایستی این آرزومندی را با رانش اشتباه کرد. این نکته ای اساسی در کار درمانی من میباشد. ولی بارها بخصوص در سوپرویزسیون همکاران جوانم متوجه میشوم که آنها در پی تعهد فرد از رانشهایش میباشدند که البته با کار درمانی بسیاری از روانکاوران نیز مطابقت دارد. حال آنکه بنظر من روانکاوی واجد مسئولیتی عظیم در طی طریق فرد مورد روانکاوی است. مثالی برایتان بیاورم که مسأله اندکی مفهوم شود. یکی از بیماران من (مردی 45ساله) در جوانی توسط کشیشی اغفال شده است. حال اگر ما تنها رانش او را مد نظر قرار بدهیم نتیجه به احتمال قوی چیزی وحشتناک خواهد بود و زندگی این فرد را که میتواند بکلی تخریب کند چراکه تنها کاری که برایش باقی میماند تن دردادن به همجنس دوستی خواهد بود. در اینجا است که روانکاو در هدایت کار کلینیک خود نمیبایستی رانش همجنس دوستانه این مرد را با

آرزومندی او خلط و اشتباه کند. چراکه با توجه به حیات نفسانی این شخص بهیچوجه نمیتوان آرزومندیش را با یک چنین رانشی که برحسب اتفاق در زمانی ارضاء شده اشتباه کرد. ناگفته پیداست که چنین انطباقی را مگاہ میتوان میان رانش و آرزومندی کسی که مورد روانکاوی است یافت. در چنین موردی البته که روانکاو در پی آن نخواهد بود که بنام اصول تهی اخلاقی او را از دنبال کردن همجنسیت باز دارد.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 10 آبان 1390 ساعت: 16:32

آقای حجت خوشه چین بهار

کسی کتاب جالبی از فریود و آثار او را از انگلیسی به فارسی برگردانده که گرچه برآستی خواسته است به اصطلاح دست تمام بگذارد ولی احتیاج به بازخوانی و تصحیح و ویرایش دارد. بهمین جهت در مخصه قرار گرفته ام و با صرف وقت بینهایت بسیاری ناچار به مقابله یکایک جملات با متن اصلی هستم. بهرحال سعی خواهم کرد آن را تمام کنم که البته کاری است بسیار کسالت آور. ولی فکر میکنم که برای خواننده فارسی مفید باشد که فریود و نظریات او را بنحو تحریف شده ای که در ایران تا بحال بخورد ما داده اند درک نکنند. این فعلاً برنامه ایست که پس از کتاب توپولژی دنبال میکنم. بالاحترام

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 10 آبان 1390 ساعت: 16:38

آقای حجت خوشه چین بهار

بله همچنان که ملاحظه میکنید بسیارند در ایران و حتی در خارج ایران که خود را متخصص روانکاوی میدانند ولی با خوانندگان ایرانی است که تن به چنین ادعاهائی ندهند. بارها و بارها این متخصصان پیشنهاداتی بمن داده اند که البته بدانها توجهی نکرده ام. زرنگی و کلاهبرداری در تمام رشته ها وجود دارد و روشنفکران ما نیز مأسفانه از آن مستثنی نیستند بلکه ...

نویسنده: حجت

شنبه 14 آبان 1390 ساعت: 13:46

با سلام مجدد خدمت دکتر موللی گرامی و ممنون از اینکه علاوه مشغله کاریتان برای پاسخ به سؤالات وقت می گذارید.

آیا نمی شود گفت که مشابه رابطه توکل آمیز که بزعم شما از طرف سوژه روانکاوی شونده نسبت به روانکاو بوجود می آید در آنچه روانشناسی من هم می نامید وجود دارد چون در آن سو هم بنظر می رسد روانشناس نوعی اعتماد در بست را خواستار است. و اینکه آیا این نوع رابطه مثل انتقال امری ناآگاه است یا عامدانه؟  
با تشکر